اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۱۹۶)

روزه و استایل زندگی (بخش ۷)

در قسمت قبلی روزه مطلبی بیان شد، که همینجا تصحیحش میکنم. مطلب این بود که گفتم کفاره خوردن عمدی یک روز روزه ماه رمضان، دو ماه روزه متوالی است. اما این مطلب در قرآن برای کفاره قتل غیرعمد ذکر شده است و نه خوردن عمدی روزه. خدای رحمان در قرآن برای خوردن روزه رمضان (بدون عذر و دلیل)، هیچ کفاره ای در نظر نگرفته است. دلیل آن را اینجا بررسی می کنیم. ممکن است این سوال پیش آید که چرا خدای حکیم هیچ کفاره ای برای خوردن عمدی روزه رمضان در نظر نگرفته است؟

قرآن کتابی مفصل و محکم است و اگر مطلبی در قرآن ذکر شود، به منظوری است و اگر هم مطلبی ذکر نشود، باز به منظوری است. برای کسانی که مریضند و یا مسافرند، کفاره آن، یک روز روزه داری بعد از ماه رمضان است. اما برای کسی که روزه را عمدی خورده باشد و یا نگرفته باشد، هیچ کفاره ای ذکر نشده است. زیرا نگرفتن روزه بدون عذر و بهانه، اصلا قابل جبران نیست. بعضی کاستی ها و کم کاریها قابل جبران نیستند. نماز و روزه جزو آیتمهایی هستند که قابل جبران نیستند. خدا در قرآن برای نماز بجا نیاوردن، هیچ گونه کفاره ای ذکر نکرده است، زیرا اصلا قابل جبران نیست. خریدن نماز برای مرده که در میان بعضی ها رایج است، هیچ منشاء قرآنی ندارد و اصلا بی معناست. مثل این است که بالای قبر مرده، غذا قرار دهید. کسی که زنده است، باید خودش در زمان زنده بودنش روزه و نماز بجا آورده باشد و بعد از مرگش قابل جبران نیست. اگر قابل جبران بود، قطعا خدای رحمان آن را ذکر میکرد. همین مطلب خودش هزار نکته در آن است. وقتی خدای رحمان در کتاب آسمانی قرآن برای خوردن عمدی روزه و نماز بجا نیاوردن کفاره ذکر نکرده است، یعنی قابل خرید و فروش نیست، یعنی قابل جبران نیست. قابل معامله نیست. فرصتی است که از دست رفته و برگشت ناپذیر است. همانطور که پنجاه شصت سال زندگی دنیوی ما قابل تمدید نیست و اگر اجل ما برسد، دیگر قابل برگشت نیست. نماز و روزه هم قابل جبران نیستند. اگر نماز و روزه را در زمان خودش بجا

آوردی، فبها و گرنه فرصتی است که از دست رفته است و کاریش نمیشود کرد.

خدای حکیم دانا برای کسی که نسبت به نمازها بی توجه است، ویل را بکار برده است. وقتی ویل بکار برده است، یعنی نمیتوان این گناه را بوسیله کفاره و پوشش و پول پوشاند.

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ ﴿۱﴾ آیا کسی را که دین را دروغ می خواند دیدی (۱)
فَذَلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ ﴿۲﴾ این همان کس است که یتیم را بسختی می راند (۲)
وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿۳﴾ و به خوراك مسکینانه ترغیب نمی کند (۳)
فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ ﴿۴﴾ پس وای بر نماز گزاران (٤)
ٱلَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿۵﴾ همان کسانی که از نمازشان غافلند (۵)
ٱلَّذِينَ هُمْ يُرَآءُونَ ﴿۶﴾ کسانی که خودنمایی می کنند (٦)
وَيَمْنَعُونَ ٱلْمَاعُونَ ﴿۷﴾ و از خیرات و کارهای نیک منع میکنند (۷)

همین نکات ثابت میکند که نماز و روزه اجباری نیست و کسی که اینها را برپا ندارد، خودش ضرر میکند و کسی هم نمیتواند نماز و روزه را برای دیگران اجبار کند. این دو باید اختیاری باشند تا که در زندگی تاثیرگزار باشد و حالت معنوی پیدا کنند. اگر نماز و روزه اجباری باشد، از حالت معنوی خارج میشود و حتی ممکن است تاثیر عکس داشته باشد. همانطور

که سوره ماعون می فرماید کسی که برای زور و اجبار و برای ریا و رضایت دیگران نماز و روزه را انجام دهد، در واقع به معنای تکذیب دین میباشد.

طبق آیات قرآنی که در قسمتهای قبل بررسی شد، چهار جنبه از زندگی ما انسانها در به یقین رسیدن ما موثرند. هر انسانی بالاخره روزی در این دنیای فانی نسبت به بهشت و یا جهنم به یقین میرسد. و این یقین قطعا در سبک زندگی ما موثر است.

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ ﴿۴۲﴾ چه چیز شما را به سمت سقر سلوک داد (۴۲)

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿۴۳﴾ گویند از نمازگزاران نبودیم (۴۳)

وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ ﴿۴۴﴾ و بینوایان را غذا نمی دادیم (۴۴)

وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿۴۵﴾ با هرزه درایان هرزه درایی میکردیم (۴۵)

وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿۴۶﴾ و روز دین را دروغ می شمردیم (۴۶)

حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ ﴿۴۷﴾ تا نسبت به این روش به یقین رسیدیم (۴۷)

طبق آیات فوق، چهار جنبه از زندگی ما انسانها در یقین پیدا کردن ما و تعیین تکلیف ما در این دنیا موثرند:

۱- **نماز** (قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ)

۲- **طعام** (وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ)

۳- **سرگرمی و تفریح** (وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ)

٤- **تکذیب دین** (وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ)

اولین آیتم مربوط به نماز است و دومین آیتم که طعام است، مربوط به روزه است. سومین آیتم هم مربوط به مواردی غیر از نماز و روزه است. بنابراین میتوان گفت که کل زندگی انسان در این چهار آیتم خلاصه میشود. یکی بود که روزه نمی گرفت، وقتی ازش پرسیدند که چرا روزه نمی گیرید، در جواب میگفت که سیگار می کشم و بخاطر سیگار نمی توانم. مردم نمی توانند شکمشان را کنترل کنند و تحت فرمان شکمشان قرار گرفته اند و در نتیجه چیزهای دیگری را بهانه قرار میدهند. این فرد حتی اگر روزه بگیرد و با فرض محال، در حین روزه داری مجاز به سیگار کشیدن هم باشد؛ باز قادر به روزه گرفتن نخواهد بود. زیرا مشکل او فراتر از سیگار کشیدن است. بعضی دلایل از یک عرفان غلط سرچشمه می گیرند؛ عرفانی که میخواهد گناه را توجیه کند.

یک شاعر بوسیله شعر و بکارگیری احساسات و منطقهای غلط میتواند هر گونه خط قرمزی را توجیه کند. بیشتر گناهان از یک تکرار ناشی میشوند

و گرنه خدای رحمان بخاطر یک بار گناه به کسی گیر نمیدهد. گناه وقتی تکرار شود، یعنی به یک عرفان و فلسفه زندگی تبدیل شده است و نسبت به آن یقین پیدا شده است. تکرار گناه یعنی پرخوری و یک سیکل باطل. هر گونه سیکل باطل باعث بوجود آمدن شرایط جهنمی میشود. در جهنم هم هربار که بیماریها و مشکلات به پوسته و جلد میرسند و آن وقت چاره ای جز عوض کردن جلدها نمی ماند؛ آن موقع جلدها عوض میشوند و سیکل باطل ادامه می یابد و تکرار میشود. جهنم یک سیکل باطل است که مدام و برای ابد تکرار میشود. چیزی که بدون معنویت صحیح، خیلی تکرار شود، باعث تقویت همان معنویت غلط در شما خواهد شد و بعد از مدتی به یقین می رسید. این است که کسانی که به جهنم می روند، در همین دنیا، نسبت به سبک جهنمی یقین پیدا میکنند.

بعضی ها عادت دارند که بعد از غذا، سیگار بکشند. همانطور که قبلا گفته شد، جفتهای ناجور غذایی روی شجره ملعونه قرار دارند. سیگار جفت مناسبی برای غذا نیست. شعر الگوی مناسبی برای زندگی نیست. شاعر هر جوری است میخواهد که قافیه و ردیف را جور کند و برایش مهم نیست که جملاتش در تضاد با هم باشند؛ مهم این است که قافیه و ردیف را جور کند و حالتی شاعرانه برای خود درست کند. آدمی نباید معنویتهای صحیح را فدای قافیه و ردیف کند.

وقتی خدای رحمان ما را به طعام مسکین دعوت میکنند؛ از چند جهت مطرح است:

۱- میل پیدا کردن به غذاهای ساده و پایه ای

۲- مسکین به معنای نیازمند است. حتی ممکن است که این نیازمند، فقیر هم نباشد.

۳- طعام در این آیه، فقط غذای جسمی نیست و بلکه هر گونه فیدبک ذهنی و روانی هم جزو طعام بحساب می آیند. تفریحات و غذاها و چیزهای ساده ای وجود دارند که قبلا به شما لذت میدادند ولی حالا نمیدهند. زیرا حالا طعم مسکین شما به هم خورده است. روزه این چنین حالتی را دوباره به حالت دفالت و پیشفرض بر می گرداند. هر کسی بهشت گمشده ای در همین دنیا در دوران بچگی و جوانی خویش داشته است. روزه باعث برگشت به این حالت میشود. هر چقدر که به دوران بچگی و نوجوانی خود فکر می کنیم؛ یاد غذاها و صاف و سادگیها و بازیها و تفریحهای ساده ای می افتیم که بهترین لذتهای خیلی افراد در طول عمرشان می باشد. بهشت گمشده همان طعامهای ساده ای هستند که صاف و سادگی از آن می بارید ولی با گذشت زمان، آن را از دست دادیم و وارد پیچیدگیهای تغذیه ای و روانی شده ایم. این سرنوشت بشر آخرالزمان است که جامعه ای برای خود

درست کرده است با امکانات زیاد و در ظاهر پیشرفته و خالی از لطف و صفا و سادگی و اخلاص.

۴- در رمضان باید غذاها ساده تر شوند، چه از نظر محتوا و چه از نظر تعداد. بعضی ها در یک وعده، دو سه نوع غذا میل میکنند که این مساله مخالف طعام مسکین است. در بعضی رستورانها، سبکهای غذایی غلطی جا انداخته شده است و ریخت و پاش میکنند و اینها کلا مخالف فلسفه طعام مسکین است.

۵- در این آیه، به طعام خیلی اهمیت داده شده است. حالا ممکن است که خرید و یا فروش و یا تهیه و بسته بندی و نگهداری و سایر جوانب طعام هم باشد. در هر حال آیه می فرماید که طعام درستی به نیازمند آن بدهید. وقتی ما سیب زمینی نیاز داریم، یعنی نیازمند سیب زمینی هستیم. بنابراین گذاشتن سیب زمینی های گندیده و خراب در وسط و لابلای گونی سیب زمینی های سالم، یک نوع طعام خوب ندادن به نیازمندش است. یا ردیف بالایی خرما سالم است ولی ردیفهای پایینی کپک زده است. این یعنی طعام خوبی به نیازمند آن نمی دهیم. در اینجا مساله پولی بودن و یا مجانی بودن مطرح نیست. پول فقط یک وسیله مبادله کالا است و گرنه حتی یک پولدار هم میتواند نیازمند باشد.

۶- طرز تغذیه دادن و گرفتن میتواند نوعی طهارت باشد و همچنین میتواند نوعی آلودگی باشد.

۷- وقتی آدمی در طول یک ماه، ورودیهای روانی و ذهنی خود را خالص گرداند و ناخالصیها را بسوزاند. اگر در این ماه غیبت نکند و افکار غلط و خیالپردازی نکند، روی پیوندها و مسیرها و سلولهای عصبی و مغزی خود تاثیر می گذارد. در آن صورت مغز ما پاترنها و الگوهای غلطی که به آن عادت کرده است را فراموش میکند و از دست این نوع شلوغی و ترافیک ذهنی نجات می یابیم. این همان خالص شدن و ساده شدن است. به همین خاطر است که فقط بندگان خالص نجات می یابند. بندگان خالص به معنای بندگان ساده شده هم هست. برای خالص شدن، باید از نظر اینپوتهای روانی و تغذیه ساده تر شویم.

۸- ذهن انسان بعد از مدتی با باید و نبایدهای الکی و فیک پر میشود که اینها شلوغی و ترافیک ذهنی و روانی به بار می آورند. روزه ماه رمضان برای درمان چنین مشکلی است. خوف و حزن که در قرآن نسبت به آن هشدار داده شده است، یک نوع درگیری ذهنی است و یا اینکه خوف و حزن از این نوع درگیریها و ترافیکهای ذهنی و روانی ناشی میشود.

۹- آدمی بعد از مدتی به احساسات شدید معتاد میشود و بعد از مدتی به حالت افراطی از احساسات عادت میکند و مجبور است که روزانه

چندین ساعت کانالها و کنسرتهای مختلف را بگردد تا بتواند مقداری احساسات بدست آورد. روزه این نوع اعتیاد جدید رادرمان میکند و آدمی بعد از تقوا به خرج دادن به احساسات ساده و بیس و پایه بر میگردد. اما کسی که روزه نگیرد، بعد از مدتی به این کانالها و کنسرتهای موسیقی عادت میکند و هر بار سطح توقعش هم بالاتر میرود و بعد از مدتی به جایی میرسد که دیگر چیزی راضیش نمی کند. اما روزه ما را به ساده ترین حالت و تصفیه شده بر می گرداند و انسان بدون آنکه بداند، به خیلی از مشکلات روانی برنخواهد خورد.

۱۰-فقط طعم مادی کافی نیست. بلکه طعم معنوی جفت طعم مادی است. طعم مادی بدون طعم معنوی، آدمی را گدا میکند. روزه به آدمی طعم معنوی میدهد.

۱۱-آدمی با عدم روزه گرفتن، طمعهای کسب ویتامین برایش بوجود میاید و در هر چیزی دنبال بمب ویتامین می گردد. اینپوتهای زیاد منجر به شکم پرستی و خونخواری میشوند. این هم یک نوع طمع است. طمع فقط مربوط به جمع مال نیست و بلکه مربوط به جمع ویتامین و پرخوری هم هست.

۱۲-چربی روانی یعنی افراد مسائل روانی زیادی در آنان هست که حل نشده باقی مانده است. روزه اینها را میسوزاند و یا دفع میکند و یا حل میکند.

۱۳-فقیر اصلی کسی است که برای خودش نیازهای کاذب درست کند و روزه درمان این درد است و آدمی را از نظر معنوی غنی میکند.

بعضی ها که روزه نمی گیرند، در رمضان بیشتر میخورند؛ زیرا حرص و ولعشان بیشتر میشود. زیرا آب که از سر گذشت، چه یک وجب، چه ده وجب. کسی که یک خط قرمزی را رد کند، دیگر بقیه خط قرمز ها را هم رد میکند. کسی که یک خط قرمز را رد کند، رد کردن خط قرمز های دیگر برایش راحت تر میشود.

قسمت چهارم آیه که در اول مطلب ذکر شد، مربوط به تکذیب دین است. بعضی ها فکر میکنند که تکذیب دین ، یعنی اینکه روز آخرت را رد کنید. اما این چنین تکذیبی خیلی کم پیش میاید. وقتی کسی میگوید که نماز و روزه خوب است ولی آن را اجرا نمی کند؛ یعنی اعتقاد خودش را عملا تکذیب کرده است. تکذیب یعنی چیزی که به آن علم پیدا کرده اید و برای شما ثابت شده است، ولی آن را اجرا نکنید. به این طریق به معنای واقعی تکذیب دین می رسیم. بنابراین تکذیب دین که بارها در قرآن به آن هشدار داده شده است، به معنای آن نیست که روز جزا را رد کنید. تقریبا همه مردم روز جزا و قیامت را قبول دارند. اما برای آن روز تلاش نمی کنند و این یعنی تکذیب آن روز. در سوره ماعون هم اولین آیه از

تکذیب دین صحبت می فرمایند که باز هم نماز و طعام جزو آیتمهای اصلی آن است. همانطور که سوره ماعون می فرماید کسی که برای زور و اجبار و برای ریا و رضایت دیگران نماز و روزه را انجام دهد، در واقع به معنای تکذیب دین میباشد.

خدای رحمان روزه را در فصول مختلف قرار داده اند. زیرا خدا میخواهند که ما در همه احوالات بدن خویش را به تقوا و پرهیز عادت دهیم و آن را حفظ کنیم تا طبق جو و شرایط مختلف، بهتر پرورش یابیم. جهان برای سبک زندگی متعادل و متوازن ساخته شده است و رمضان چنین توازنی را میتواند برقرار سازد. قرآن که در این ماه نازل شده است، هم اینچنین عمل میکند و زندگی متوازن و متعادلی را به ما یاد میدهد. رمضان ماه نزول قرآن است و میتوان دستورات این کتاب آسمانی را عملا با گوشت و استخوان خود حس کنیم و کنترل تغذیه، تاثیر مستقیمی در این تربیت دارد.